

پژوهشی در زمینه چارچوب‌های اقتصاد اثباتی در قرآن کریم (مطالعه موردی: چارچوب گزاره‌های اثباتی پیشرفت مادی و معنوی)

امیر خادم‌علیزاده*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

حسین غفورزاده**

دانشجوی دکتری فلسفه اقتصاد اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۲۹)

چکیده

بحث تمایز اثباتی و هنجاری در روش‌شناسی علم اقتصاد سابقه زیادی دارد و تلاش‌های برخی اقتصاددانان به این سمت سوق پیدا کرده است که جدایی واقعیت‌ها و ارزش‌ها را معیار علم و غیرعلم قلمداد کنند. در باب اقتصاد اسلامی نیز این ادعا مطرح می‌شود که اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از ارزش‌هاست. لذا نمی‌توان آن را علم قلمداد کرد. به همین سبب، کاوش درباره جنبه‌های اثباتی اقتصادی در منابع دینی ضرورت می‌یابد. این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، به استخراج نصوص اثباتی اقتصادی (در زمینه پیشرفت مادی و معنوی) می‌پردازد که مبین رابطه علی و معلولی بین پدیده‌های خارجی است که به صورت «اگر الف، آنگاه ب» می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن کریم، گزاره‌های اقتصادی اثباتی وجود دارد و با توجه به تفاوت مبانی معرفت‌شناسی اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی، برخی از گزاره‌های اثباتی بر اساس کارکرد علل مجرد قابل توجیه است و با نگرش صرفاً مادی نمی‌توان آنها را توجیه کرد. همچنین، بر اساس آیات اقتصادی قرآن، علل مادی نظیر سرمایه مادی، انفاق و پرهیز از فساد اقتصادی و عوامل غیرمادی، نظیر استعداد درونی نیروی انسانی جامعه، اجرای احکام شریعت در جامعه، شکر نعمت، ایمان و تقوا، استغفار، استقامت در راه حق، مهاجرت در راه خدا و دعا به عنوان عوامل پیشرفت مادی و معنوی از منظر قرآن مطرح می‌گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری، قرآن کریم، پیشرفت.

طبقه‌بندی JEL: Z12، Z13، Z19، B41.

* E-mail: aalizadeh@atu.ac.ir

** E-mail: hghafoorzadeh@yahoo.com (نویسنده مسئول)

مقدمه

تمایز میان علم اقتصاد اثباتی و هنجاری، حدود ۱۵۰ سال قدمت دارد و اکثر فلاسفه و اقتصاددانان، هیوم را اولین کسی می‌دانند که از تمایز «هست» و «باید» سخن گفته است. دوگانگی هیوم (Hume's dichotomy)، چنگال هیوم (Hume's fork) و گیتین هیوم (Hume's guillotine) تعبیری است که برای تمایز «هست - باید» در تاریخ فلسفه رایج شده است (Wade Hands, 2012: 220).

اقتصاد اثباتی به تحلیل واقعیت‌ها و به طور کلی، به امور اقتصادی در وادی هست‌ها و نیست‌ها می‌پردازد. در مقابل، اقتصاد هنجاری به مقوله تجویزها و به طور کلی، به بررسی در حوزه بایدها و نبایدها مبادرت می‌ورزد. عده‌ای از اقتصاددانان، همچون فریدمن بر این باورند که اگر اقتصاد و تئوری اقتصادی بخواهد به صورت یک علم به فعالیت خود ادامه دهد، باید به صورتی خالص درآید و از نظر آنها، از معانی خالص بودن تئوری اقتصادی، دوری از مسائل ارزشی و هنجاری است. گروهی دیگر، از جمله کینز معتقدند که علم اقتصاد به هر دو مقوله امور اثباتی و هنجاری می‌پردازد؛ چراکه اصولاً احکام و قضایای مستقل از امور هنجاری در اقتصاد وجود ندارد. این جدال در مواردی به افراط کشیده شده است، به گونه‌ای که عده‌ای، هر نوع امکان جدایی بین دو مقوله ارزشی و اثباتی را مردود می‌دانند و در مقابل، عده‌ای این جدایی را معیار علم و غیرعلم قلمداد می‌کنند (ر.ک؛ نمازی و دادگر، ۱۳۸۹: ۹۵-۹۶ و تفضلی، ۱۳۸۸: ۱۰-۱۱).

در باب اقتصاد اسلامی نیز این شبهه مطرح می‌شود که اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از احکام و ارزش‌هاست و درصدد تبیین وضعیّت مطلوب اقتصادی است. لذا نمی‌توان آن را علم قلمداد کرد. به همین سبب، کاوش پیرامون جنبه‌های اثباتی اقتصادی در منابع دینی ضرورت می‌یابد تا شبهه غیرعلمی بودن را از اقتصاد اسلامی برطرف نماید. بنابراین، پرسشی که اینجا پدید می‌آید، این است که آیا اقتصاد اسلامی در حیطه مسائل اقتصادی

صرفاً به امور دستوری و ارزشی پرداخته است؟ به عبارت دیگر، آیا در نصوص دینی گزاره‌های اثباتی و تحققی نیز وجود دارد؟

هدف مقاله، تأیید این فرضیه است که «قرآن کریم علاوه بر گزاره‌های هنجاری و ارزشی، گزاره‌های اثباتی نیز دارد». در واقع، در این مقاله سعی بر این است که جایی که قرآن به صراحت از واقعیات خارجی در روابط علی و یا از هست‌ها در حوزه مسائل اقتصادی سخن می‌گوید، کاوش و این موارد را استخراج کند و در مرحله بعد، به تحلیل و طبقه‌بندی آنها پردازد. ساماندهی پژوهش به صورت زیر است که پس از مقدمه، ادبیات پژوهش به تبیین مفهوم گزاره‌های اثباتی و هنجاری و نیز پیشینه پژوهش می‌پردازد. بخش سوم، مبانی نظری پژوهش را بررسی می‌کند و در بخش چهارم، به اصول موضوعه و روش پژوهش اشاره شده، تبیین گزاره‌های اقتصاد اثباتی در قرآن کریم بخش پنجم را تشکیل می‌دهد و در پایان با خلاصه و نتیجه‌گیری سامان می‌یابد.

۱- ادبیات پژوهش

با توجه به اینکه دو عبارت «اقتصاد اثباتی» و «اقتصاد دستوری» به صورت گسترده در این پژوهش به کار می‌روند، لازم است به مفهوم کلی آنها اشاره گردد. لذا در این بخش، ابتدا به تبیین اقتصاد اثباتی و هنجاری پرداخته می‌شود و ویژگی‌های آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس پیشینه علمی تمایز اثباتی و هنجاری در علم اقتصاد و نیز پیشینه مطالعات انجام شده درباره عنوان پژوهش ذکر می‌گردد.

۲- معنای اقتصاد «اثباتی» و «هنجاری»

اقتصاد اثباتی به مطالعه آنچه هست و یا چگونگی حل واقعی مسائل اقتصادی مبتلا به هر جامعه‌ای می‌پردازد. اقتصاد دستوری نیز به مطالعه آنچه باید باشد، یا اینکه مسائل اقتصادی هر جامعه چگونه باید حل شود، می‌پردازد.

صفت «اثباتی» در ادبیات اقتصاد در طول زمان دستخوش تغییرات قابل ملاحظه‌ای شده است. قابل مشاهده، قابل تأیید، توصیفی، سازنده، واقعی، انتقادی و... فهرست برخی معانی اثباتی است (ر.ک؛ مک‌لاپ، ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۴).

با توجه به معانی مختلفی که ذکر گردید، در پژوهش حاضر، معنایی که از اثباتی مد نظر قرار می‌گیرد، عبارت است از توصیف گزاره‌هایی که بیانگر یک رابطه بین دو حقیقت هستند و تأکید بیشتر نیز روی گزاره‌های شرطی است که به بیان رابطه علت و معلولی می‌پردازند. همچنین، تلاش خواهد شد تا گزاره‌های هنجاری که می‌توان از آن رابطه علت و معلولی را استخراج کرد، مورد بررسی قرار گیرند.

اسلام می‌تواند در جنبه اثباتی نیز تحلیل اقتصادی داشته باشد؛ نکته‌ای که حتی اقتصاددانان مسلمان عموماً به آن پی نبرده‌اند. فرضیات اثباتی قابل برداشت از قرآن و سنت ممکن است با آنچه در تحلیل اقتصادی سنتی مسلم دانسته شده، سازگار یا متضاد باشد و شق دیگر این است که چنین فرضیاتی ممکن است مایه جلب توجه به روابطی گردد که هنوز در اقتصاد ناشناخته است (ر.ک؛ خورشید، ۱۳۷۴: ۲۳-۲۴).

۳- پیشینه علمی تمایز «اثباتی» و «هنجاری» در علم اقتصاد

نخستین بار هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶م.) این بحث را مطرح کرد که «منطقاً محال است از احکام صرفاً تحققی یک حکم دستوری استنتاج شود و برعکس» (تملن جهرمی، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

ژید و ریست از مورخان اندیشه اقتصادی، ناسا سینیور (William Nassau Senior) را از اولین اقتصاددانانی می‌داند که تمایز بین اثباتی و هنجاری را در علم اقتصاد ایجاد کرد. سینیور اعتقاد داشت که اقتصاددان نباید توصیه‌ای ارائه دهد، بلکه باید قوانین عام را شناسایی و بیان کند (ر.ک؛ ژید و ریست، ۱۳۷۰: ۲۶۲). جان استوارت میل (John Stuart Mill) نیز اعتقاد داشت که علم اقتصاد باید به طرف علوم مثبت‌ای همچون

هندس گرایش یابد. این طرز تلقی بعدها خود را در قالب ورود گسترده ریاضیات به اقتصاد جلوه گر ساخت (ر.ک؛ تفضلی، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

در نیمه دوم قرن ۱۹، هنگامی که پوزیتیویسم، فلسفه مسلط علم شناخته می‌شد، موفقیت بزرگ علوم فیزیک را روش‌شناسی علمی آن می‌دانستند؛ زیرا توانسته بود کلیه عناصر هنجاری را از مباحثات خود حذف نماید. در این ایام، همین طرز تفکر درباره اقتصاد نیز شایع بود؛ مثلاً فیشر (Fisher) اعتقاد داشت که «اقتصاددان نباید علم اقتصاد را در ابهام ناشی از اخلاق و روان‌شناسی و متافیزیک پوشاند» (ر.ک؛ فیشر، ۱۹۶۵: ۲۳؛ به نقل از: بختیاری، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

از جمله مهم‌ترین اشخاصی که دیدگاه او در مسئله تفکیک اثباتی از هنجاری در دانش اقتصاد، بسیار مؤثر بود، جان نوئل کینز (Keynes) است. او در کتاب قلمرو و روش اقتصاد سیاسی خود به سه نوع مختلف تحقیق اشاره کرد: تحقیقی، دستوری، هنر (همان اقتصاد سیاسی و به معنای فرمول‌بندی کردن دستورهای عملی) (Keynes, 1955: 83)؛ همچنین «فریدمن» (Freedman) «لیپسی» (Lipsey) و «مکلاپ» (Machlup) بر این باورند که تفکیک بین اثباتی و هنجاری امکان‌پذیر است و با در نظر گرفتن این تمایز است که علم اقتصاد می‌تواند به مقام علوم طبیعی ارتقاء یابد (ر.ک؛ بختیاری، ۱۳۷۹: ۱۰۲). از یک منظر دیگر، اقتصاددانان شاخصی همچون میردال، شکل، ساموئلسون و ده‌ها اقتصاددان دیگر ادعا می‌کنند که در هیچ علمی نظریه با مشاهده فارغ از ارزشگذاری ممکن نیست و هیچ اقتصاددانی نمی‌تواند از نظر اخلاقی در برابر مسائل و موضوعات مطروحه از جمله مسائل اقتصادی بی‌طرف باشد؛ زیرا خود بی‌طرفی هم یک نوع قضاوت ارزشی و اخلاقی است (ر.ک؛ همان).

بررسی سیر تاریخی نظرات اندیشمندان اقتصادی درباره اثباتی و هنجاری نشان می‌دهد اندیشمندان اقتصادی به دنبال این بوده‌اند که با تمایز اقتصاد اثباتی و هنجاری جنبه علمی اقتصاد را از جنبه سیاست‌گذاری جدا کنند، اما در عمل، تفاوت گذاشتن میان

اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی چندان ساده نیست، چون هر دو از یکدیگر اثرپذیر هستند.

بنابراین، نسبت به اصل تقسیم گزاره‌ها به اثباتی و دستوری (هنجاری)، در میان اندیشمندان غرب اختلاف نظر وجود داشته است. الگوی نظری (پارادایم) فعلی علم اقتصاد دو ویژگی غالب دارد. نخست اینکه علم اقتصاد به صورت رشته‌ای منسجم گرد هسته مرکزی نفع شخصی، بنگاه خصوصی، ساز و کار بازار و انگیزه سود شکل گرفت و توسعه یافت و تلاش درخوری را نیز برای حل همه مشکلات و مسائل اقتصادی در چارچوب این شبکه صرف کرد. دوم آنکه در عمل، این پارادایم پیوند اقتصاد را از ابزارهای غیرمادی و دغدغه‌های اخلاق، دین و ارزش‌های اخلاقی برید. رویکرد جدید به اقتصاد از هر نظر و به طور کامل سکولار، این جهانی، پوزیتیویستی (اثباتی) و پراگماتیک (عمل‌گرا) بود. ملاحظات هنجاری یا به طور حساب شده‌ای حذف گردیدند، یا به حاشیه رانده شدند (ر.ک؛ چپرا، ۱۳۸۴: ۴).

۴- پیشینه علمی مطالعه‌های انجام شده درباره عنوان پژوهش

موضوع حاضر، پیشینه محدودی دارد، اما برخی از آثاری که به طور عام به جستجوی آیات اقتصادی قرآن پرداخته‌اند و در این زمینه مطالبی را نگاهشته‌اند، عبارتند از:

۴-۱) پژوهش‌های داخلی

- رجایی (۱۳۸۲) در کتاب معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، به بررسی ارتباط وحی با مباحث اقتصادی پرداخته است. نویسنده نخست مفاهیمی مثل تجلی توحید در اقتصاد و نقش توجه به معاد را در اقتصاد بررسی کرده است و آنگاه مجموعه‌ای از آیات مرتبط با موضوع را طرح کرده است. در ادامه، به ترتیب، مباحث تولید، توزیع، مصرف و فروع آن مورد بحث قرار گرفته است.

- خادم‌علیزاده (۱۳۹۲) در کتاب تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی، هدف از تدوین این کتاب را تبیین اندیشه‌ها و آموزه‌های قرآن در عرصه اقتصاد معرفی کرده است و در این کتاب، به مباحثی نظیر ویژگی‌های نظام اقتصادی قرآن، مبانی بینشی و ارزشی اقتصاد، اهداف اقتصاد، نظام اقتصادی و ناهنجاری‌های اقتصادی از دیدگاه قرآن پرداخته است.

- بختیاری (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی» ابتدا به مفهوم اقتصاد در غرب و چگونگی تکامل آن پرداخته، سپس منازعات بین اقتصاددانان را - در مقوله تمایز بین اقتصاد اثباتی و اقتصاد هنجاری - مورد بررسی قرار می‌دهد و در این باب برای نقش ارزش‌ها و مبانی ارزشی اهمیتی خاص قائل است.

- دادگر و نظریور (۱۳۸۱) در مقاله «اقتصاد اثباتی و دستوری» که ترجمه مقاله‌ای از مک‌لاپ است، می‌گویند مک‌لاپ در این بررسی، دیدگاه‌های مختلف درباره مفهوم اثباتی و دستوری و تقابل یا عدم تقابل آنها و نیز دغدغه اقتصاددانان در این زمینه و هنجاری بودن اقتصاد رفاه را ذکر می‌کند و ابهام‌ها و خلط‌های مربوط را شفاف می‌سازد.

۴-۲) مطالعه‌های خارجی

- زیدان عبدالفتاح قعدان (۱۹۹۷م.) در کتاب *منهج الاقتصاد فی القرآن* اشاره کرده است که در تحقیق خود به دنبال استخراج نظریات اقتصادی از خلال قرآن نیست، بلکه هدف او تبیین خطوط کلی قرآن است که اقتصاد باید ملتزم به آن باشد؛ چراکه این وظیفه قرآن است، اما وظیفه عقل، تفصیل این خطوط کلی بدون افراط و تفریط می‌باشد و با هدایت قرآن و تلاش‌های عقل بشری وضع نظریات اقتصادی کامل‌تر در تولید، توزیع و مصرف فراهم می‌شود.

- منذر قحف (۲۰۰۸م.) در کتاب *النصوص الإقتصادية من القرآن والسنة*، بر طبق نگاه مذهب اهل تسنن، به جمع‌آوری نصوص اقتصادی در قرآن و سنت پرداخته است و این نصوص را ذیل عنوان‌های زیر طبقه‌بندی کرده است: رفتار اقتصادی و اهداف آن، اساس

فعالیت اقتصادی اسلامی، مبانی و قواعد عمومی نظام اقتصاد اسلامی، نظریه مصرف و رفتار مصرف کننده، نظریه تولید و رفتار تولید کننده، نظام بازار، نظریه اقتصاد کلان، نقش دولت در اقتصاد، مالیه عمومی.

- منان (M.A. Mannan) در مقاله «اقتصاد اسلامی به مثابه یک علم اجتماعی» می گوید هدف اصلی مقاله، نشان دادن چگونگی علم بودن اقتصاد اسلامی است و نیز به دنبال این است که توضیح دهد چرا تفاوت بین اقتصاد اثباتی و هنجاری در اقتصاد اسلامی بی اهمیت است (Mannan, 1983: 41-50).

- بررسی منابع فوق نشان می دهد که نویسندگان آنها سعی کرده اند موضوع ها و مباحث متعارف مرتبط با اقتصاد را از فحوای آیه های قرآن استخراج کنند و تمرکز بر منظومه گزاره های اثباتی اقتصادی در قرآن کریم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. لذا نوآوری پژوهش حاضر، دستیابی به این گزاره های اثباتی اقتصادی است.

۵- مبانی نظری پژوهش

در این بخش، ابتدا به شأن و مأموریت قرآن کریم نسبت به علوم بشری، از جمله علم اقتصاد پرداخته می شود. سپس ارتباط گزاره های اقتصاد «اثباتی» و «هنجاری» در قرآن کریم بررسی می شود.

۱-۵) انتظار از قرآن در تبیین مسائل اقتصادی

اگر بپذیریم که قرآن کریم در بر دارنده هدایت های قرآنی برای انواع حوزه های علوم بشری است، سؤالی در باب چگونگی ارتباط آن با علوم شناخته شده مطرح می شود. آیا قرآن کریم به صراحت در بر دارنده علوم مختلف است؟ در پاسخ، رویکردهای مختلفی ارائه شده است که عبارتند از:

الف) رویکرد تفریپی و انکار آموزه‌های علمی در قرآن

برخی از صاحب‌نظران رویکرد علمی به قرآن را از اساس منکر شده‌اند و معتقدند قرآن به هیچ وجه به آموزه‌های علمی نپرداخته است و یا اگر پرداخته، ما حق تطبیق آیات با دستاوردهای مسلم علمی را نداریم. بارزترین فرد از این دسته از علما، شاطبی می‌باشد (ر.ک؛ شوقی دنیا، ۱۳۸۹: ۲۷).

ب) افراط در برخورد با آیات علمی قرآن کریم

مهم‌ترین عامل پیدایش و گسترش رویکرد علمی در تفسیر، پس از دوران رنسانس و در واکنش به تهاجم فرهنگ غرب به جهان اسلام بود که شماری از اندیشه‌وران مسلمان، برای رویارویی با این پدیده با شتاب سراغ متون دینی رفتند و برای نشان دادن پیشگامی مسلمانان، آیات و روایات علمی را استخراج و بازکاوی کردند. این اقدام شتابزده با لغزش‌های و اشتباه‌هایی همراه بود. از جمله این مفسران معاصر، شیخ طنطاوی جوهری است که تفسیر الجواهر وی، افزون بر مباحث محتوایی، چنان با انواع تصاویر از کهکشان‌ها، ستاره‌ها، سیارات، گیاهان و... آراسته شده که در نگاه آغازین، بیشتر به یک کتاب علمی می‌ماند تا یک تفسیر (ر.ک؛ نصیری، ۱۳۸۶: ۳۰). از علمای گذشته که نیز چنین رویکردی داشتند، می‌توان به آرای غزالی در دو کتاب الإحیاء و جواهر القرآن اشاره کرد. سیوطی و تا حد زیادی ابن عربی نیز از قائلان به این نظریه هستند (ر.ک؛ شوقی دنیا، ۱۳۸۹: ۲۷).

ج) رویکرد اعتدالی

بر اساس این نظر، قرآن کریم کتاب هدایت انسان‌ها در فعالیت‌های فکری و عملی است و در پرتو این هدایت است که انسان می‌تواند با به کارگیری عقل، حواس و وجدان خود، علوم و معارف جدیدی را پایه‌ریزی کند (ر.ک؛ رشیدرضا، بی‌تا، ج ۲: ۳۳۹). این دیدگاه در میان مفسران قدیم و جدید طرفدارانی دارد. بیشتر مفسران معاصر نیز این

دیدگاه را پذیرفته اند. طبرسی، ابوالفتح رازی، علامه مجلسی، فخر رازی، سید قطب شاذلی، رشید رضا، علامه طباطبائی، استاد مطهری و سید محمود طالقانی از مهم ترین طرفداران این دیدگاه هستند (ر.ک؛ خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲: ۴۵).

این پژوهش نیز بر رویکرد سوم استوار است که قرآن کریم برای تبیین نظریه‌ها و قوانین علمی، تجربی و کشف روابط بین پدیده‌ها نازل نشده است و اگر در برخی آیات به این روابط اشاره شده، در راستای تبیین هدایتی و ارشادی است.

۲-۵) ارتباط اقتصاد «اثباتی» و «هنجاری» در قرآن کریم

درباره رابطه منطقی بین هست و باید در قرآن می‌توان گفت، هرچند در برخی از آیات قرآن، پس از طرح توحید و هستی‌شناسی توحیدی، هیچ بایندی بر آن استوار نشده است، اما در برخی از آیات، به روشنی این ترتیب و تفریع دیده می‌شود و هرچند این ترتیب و تفریع، حکایت از یک استنتاج مربوط به قضایای منطقی صورتی نداشته باشد، اما نوعی ترتیب طبیعی و متعارف را می‌رساند که برای آن، یک قانون و باید عقلی عام است (ر.ک؛ حسینی کوهساری، ۱۳۸۵: ۵۱).

اگرچه قرآن کریم به تبیین علم اقتصاد (مانند قانون عرضه و تقاضا) نپرداخته است، چون وظیفه قرآن، بیان بایدها و نبایدهاست، نه تبیین و تفسیر جهان واقع و روابط بین پدیده‌ها، بلکه این امر به عهده علوم بشری در شاخه‌های گوناگون است. اگر هم در زمینه علم اقتصاد سخنی به میان آورده، برای مثال و یا به منظور وضوح مسائل هنجاری است (ر.ک؛ خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲: ۳۲-۳۳). البته این «بایدها» حکایت از یک واقعیت نفس‌الامری می‌کند و در واقع، خبر از یک رابطه علی و معلولی بین دو چیز می‌دهد (ر.ک؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۷۷).

بر اساس مطالب فوق، در استخراج گزاره‌های اثباتی در قرآن کریم، برخی از گزاره‌های هنجاری که حاکی از یک گزاره اثباتی در مباحث اقتصادی باشد نیز مد نظر قرار خواهد گرفت.

۳-۵) گزاره‌های اقتصاد «اثباتی» و «هنجاری» در قرآن کریم

به طور کلی، نصوص اقتصادی را می‌توان به دو دسته اثباتی و هنجاری تقسیم کرد. گزاره‌های هنجاری از حقیقت خبر نمی‌دهند، بلکه مشتمل بر یک حکم هستند. گزاره‌های اثباتی اقتصادی مشتمل بر اخبار از یک حقیقت هستند که خود به دو نوع تقسیم می‌شوند: گزاره‌هایی که مشتمل بر تفسیر و تبیین یک حقیقت کلی نسبت به کل نظام هستی است (گزاره‌های هستی‌شناسانه) و یا تفسیر و تبیین یک حقیقت جزئی است. گزاره‌های کلی هستی‌شناسانه یا یک حقیقت کلی واحد را تبیین می‌کنند و یا رابطه بین حقایق کلی را بیان می‌کنند. همچنین، گزاره‌های جزئی یا یک حقیقت واحد را بیان می‌کنند (گزاره‌های تبیینی) یا بیانگر یک رابطه بین دو حقیقت هستند (گزاره‌های اثباتی) (ر.ک؛ رشاد، ۱۳۸۹: ۱۵۸-۱۶۶).

نمودار ۱: انواع گزاره‌های اقتصادی در قرآن



گزاره‌های اثباتی به آن دسته از آیات اطلاق می‌شود که رابطه علی و معلولی را بین دو امر بیان می‌کنند. می‌توان مدلول آنها را به صورت جمله شرطیه «اگر الف اتفاق افتد، آنگاه ب اتفاق خواهد افتاد» بیان کرد. برخی از نصوص به بیان رابطه امری در دنیا با امری در آخرت پرداخته‌اند. برخی به بیان رابطه بین دو امر در این دنیا پرداخته‌اند. در منابع اسلامی، این گونه نصوص فراوانند. در قرآن کریم، از قوانینی که خداوند بر انسان و جوامع انسانی حاکم کرده، به «سنت» تعبیر شده است. قرآن کریم بارها به وجود

سنت‌های الهی در جوامع انسانی تصریح کرده است و بر تغییرناپذیری آنها تأکید می‌کند (ر.ک؛ آل‌عمران/ ۱۳۷ و فاطر/ ۴۳). بسیاری از این قوانین و سنت‌ها در ارتباط با رفتارهای اقتصادی انسان و ابعاد اقتصادی جوامع انسانی است.

آیات و روایات در زمینه سنت‌های اقتصادی نیز فراوان است و مجموعه آنها می‌تواند بیانگر مجموعه‌ای از قوانین ثابت و قطعی حاکم بر رفتارها و پدیده‌های اقتصادی باشد. به کمک این قوانین می‌توان پدیده‌های اقتصادی را تحلیل کرد. این قوانین از سنخ قوانینی هستند که در علم اقتصاد کلاسیک برای دستیابی به آنها نظریه‌پردازی و آزمون‌های تجربی انجام می‌شود، با این تفاوت که این قوانین از طریق وحی و امامانی که متصل به منبع وحی بوده‌اند، بیان گشته است و اگر شکی در صدور یا دلالت منابعی که آنها را نقل کرده‌اند، نداشته باشیم، قطعی تلقی می‌شوند. تفاوت دیگر آن است که با توجه به جهان‌بینی اسلام و اینکه خداوند مسبب‌الاسباب است و در عالم هستی، علل مجرد در کنار علل مادی در پدیده‌ها مؤثرند و...، مشاهده می‌کنیم که برخی از این قوانین بر اساس کارکرد علل مجرد قابل توجه است و اگر نگرش صرفاً مادی داشته باشیم، نمی‌توان آنها را توجیه کرد. قوانینی همچون «تقوا سبب نزول برکات است»، «قطع رحم سبب فقر است» و «نماز شب روزی را می‌افزاید» قوانینی از این قبیل هستند (ر.ک؛ میرمعزی، ۱۳۹۲: ۲۴-۲۵).

بنابراین، نوعی نظام علت و معلول در قرآن کریم وجود دارد که می‌توان از آن به سنت‌های الهی تعبیر کرد. در این پژوهش، سعی شده است تا سنت‌های اقتصادی که در قرآن کریم در امر پیشرفت مادی و معنوی مطرح شده، مورد بررسی قرار گیرند.

۶- اصول موضوعه و روش پژوهش

در این قسمت، چندین اصل موضوعه مطرح می‌شوند و روش پژوهش تشریح می‌شود.

۱-۶) اصول موضوعه (پذیره‌های پژوهش) / (Assumption (Precondition)

منظور از اصول موضوعه، اموری است که در علوم دیگر همچون فلسفه و کلام اثبات شده است و در بحث تفسیر آیات اقتصادی مسلم فرض می‌شود. برخی از اصول موضوعه که در این پژوهش، مفروض در نظر گرفته می‌شوند، عبارتند از:

الف) جامعیت و جاودانگی قرآن؛ جدا از تفسیر این اصل در متون کلامی، منظور این است که اصول و خطوط کلیه نیازها و هنجارها در عرصه هدایت بشر، در آیات قرآن تبیین شده‌اند که تطبیق آنها با مسائل و موضوعات هر عصری، متناسب با مقتضیات مکان و زمان، بر عهده متخصصان واجد شرایط است (ر.ک؛ خادم‌علیزاده، ۱۳۹۲: ۴۸-۴۹).

ب) تبیین مسائل علم اقتصاد همچون علوم فیزیک، شیمی و ریاضیات وظیفه قرآن کریم نیست؛ چراکه قرآن کتاب هدایت بشر است، گرچه در موارد زیادی این تبیین‌ها در متون دینی آمده است (ر.ک؛ همان).

ج) شرایط، قیود و حدود بسیاری از کلیات اقتصادی قرآن، در سنت، بیان، فعل و تقریر پیامبر و امامان آمده است (ر.ک؛ همان).

د) ظواهر قرآن برای عموم مردم حجّت می‌باشد و حجّت بیان پیامبر و امامان، در عرضه آن بر قرآن است (ر.ک؛ طباطبائی، بی تا: ۲۵).

ه) پیامبر اسلام قرآن را بدین منظور آورد که مردم معانی آن را بفهمند و در آیات او تدبّر کنند و دستورهای او را به کار بندند و از آنچه نهی فرموده است، خودداری نمایند (ر.ک؛ خوئی، ۱۳۶۶: ۲۶۳).

و) قرآن در آیات زیادی از قوانین هستی و رموز طبیعت و اجرام آسمانی و موضوعات دیگر بحث‌های جالب و شگفت‌انگیزی نموده است و به طور مسلم، اطلاع از چنین سنن و قوانین جز از طریق وحی امکان نداشت (ر.ک؛ همان: ۷۰).

۶-۲) روش بهره‌گیری از گزاره‌های اثباتی قرآن در تولید علم اقتصاد اسلامی

در تعریف علم اقتصاد اسلامی بیان می‌شود: «به مجموعه‌ای از گزاره‌های خبری که اولاً برخی از آنها تجربه‌پذیر و برخی دیگر با روش قیاسی قابل اثبات هستند، ثانیاً نظام‌وار بر محور یک موضوع معین و تعریف‌شده شکل گرفته‌اند و ثالثاً استناد منطقی به آموزه‌های اسلامی دارند، علم اقتصاد اسلامی گفته می‌شود» (نظری، ۱۳۹۱: ۱۸۳). با توجه به تعریف فوق، روش بهره‌گیری از قضایای اثباتی اقتصادی اسلام به این معناست که در نظریه‌های اقتصادی، اگرچه احکام ارزشی و دستوری، نقش ویژه خود را ایفا می‌کنند، اما از سوی دیگر، بسیاری از قلمروهای علم اقتصاد اثباتی هستند و بدون دانستن جنبه‌های اثباتی، نمی‌توان با صرف گزاره‌های دستوری به نظام‌سازی و نظریه‌پردازی پرداخت.

تمرکز این مقاله نیز همان گزاره‌های اثباتی است. منظور از این گزاره‌ها نیز گزاره‌هایی است که رابطه علی و معلولی را بین دو امر بیان می‌کنند و می‌توان مدلول آنها را به صورت جمله شرطیه «اگر الف اتفاق افتد، آنگاه ب اتفاق خواهد افتاد» بیان کرد. به همین منظور، تمام جملات اقتصادی شرطیه قرآنی و نیز آیاتی که به نتایج و عواقب یک پدیده اقتصادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۷- گزاره‌های اثباتی در زمینه علل پیشرفت مادی و معنوی

با جستجوی علل پیشرفت در گزاره‌های اقتصادی اثباتی قرآن کریم می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه‌بندی نمود:

۱-۷) عوامل مادی

۱-۱-۷) سرمایه مادی

در آیه ۵ سوره نساء که می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا﴾ مراد از اینکه اموال ایتام را به اولیای ایتام (که مخاطب این آیه می‌باشند)، نسبت داده، این است که اولیا و سرپرستان جوامع بشری باید امور افراد سفیه را خود به دست بگیرند و با در جریان انداختن آن در کسب و تجارت و هر وسیله بهره‌وری دیگر، آن را بیشتر کنند تا در نتیجه، اصل مال از بین نرود و کار صاحب مال به تدریج به مسکنت نینجامد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۷۲). شهید صدر بر آن است که بر اساس این آیه، خداوند سرمایه‌ها و ثروت‌ها را برای بهره‌بردار جامع خلق کرده است؛ یعنی جامعه را جانشین خود در بهره‌برداری قرار داده است (ر.ک؛ صدر، ۱۳۵۷، ج ۲: ۱۸۹).

می‌توان این آیه را در قالب یک گزاره اثباتی به صورت زیر بیان نمود: «اگر تدبیر اقتصادی اموال و ثروت جامعه به صورت صحیح صورت نگیرد، قوام جامعه تضعیف می‌شود».

۲-۱-۷) انفاق

در تفسیر مجمع‌البیان، ذیل آیه ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (سبأ/۳۹) آمده است: «آنچه که دادید از مالتان، یعنی و آنچه اخراج کردید از اموالتان در راه خیر، پس خدای سبحان به شما عوض آن را می‌دهد، اما در دنیا به زیادتى نعمت و یا در آخرت به ثواب بهشت» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۰: ۲۸۰).

۳-۱-۷) پرهیز از فساد اقتصادی

حضرت شعیب در آیه ﴿... وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أُرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾ (هود/۸۴)، پس از نهی از کم‌فروشی، بلافاصله اشاره به دو علت برای آن می‌کند. نخست می‌گوید: قبول این اندرز سبب می‌شود که درهای

خیرات به روی شما گشوده شود، پیشرفت امر تجارت، پایین آمدن سطح قیمت‌ها، آرامش جامعه، خلاصه، «من خیر خواه شما هستم» و مطمئن هستم که این اندرز نیز سرچشمه خیر و برکت برای جامعه شما خواهد بود. دیگر اینکه، من از آن می ترسم که اصرار بر شرک و کفران نعمت و کم فروشی، عذاب روز فراگیر همه شما را فرو گیرد (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰: ۸۶ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹: ۲۰۱).

علامه طباطبائی بر اساس آیه ۸۵ سوره هود، ضمن بیان ضرورت مبادله برای جامعه انسانی می فرماید: «اگر در معامله‌ای از راه نقص مکیال و میزان به انسان خیانتی شود که خودش ملتفت نگردد، تدبیر او در زندگی وی تباہ و تقدیر و اندازه گیریش باطل می شود و با این خیانت، نظام معیشت او مختل می گردد» (طباطبائی، ج ۱۰: ۵۴۳-۵۴۴). بنابراین، پرهیز از فساد اقتصادی سبب پیشرفت جامعه می گردد.

۲-۷) عوامل غیرمادی

۱-۲-۷) استعداد درونی نیروی انسانی جامعه

علامه طباطبائی با استناد به آیه ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ می فرماید:

«بین اعمال انسان و حوادثی که رخ می دهد، ارتباط هست. اگر نوع بشر بر طبق رضای خدا عمل کند و راه طاعت او را پیش گیرد، نزول خیرات و باز شدن درهای برکات را در پی دارند و اگر این نوع از راه عبودیت منحرف گردد و اعمال زشت مرتکب گردند، باید منتظر ظهور فساد در خشکی و دریا، هلاکت امت‌ها، سلب امنیت، شیوع ظلم، بروز جنگ‌ها و سایر بدبختی‌ها باشند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۷۱).

از این جامع تر، آیه شریفه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (الرعد/۱۱) است (ر.ک؛ همان، ج ۹: ۱۳۲-۱۳۳). بنابراین، تبدل نعمت به نعمت و عذاب هنگامی است که صاحبان نعمت استعداد درونی خود را از دست داده، مستعد عقاب شده

باشند (ر.ک؛ همان: ۵۴۲). در تفسیر صافی، ذیل این آیه به روایتی اشاره شده است با این مضمون که قومی با اموال فراوانی بودند، اما آنها کفران نعمت کردند و دچار تغییرات درونی شدند. خداوند هم متناسب با تغییرات آنها نعمت‌هایشان را تغییر داد و با آوردن سیل، شهرهای آنها را ویران کرد (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۴: ۲۱۷). با توجه به اینکه در آیات مذکور به یک سنت اجتماعی اشاره شده است و تعبیر «قوم» را آمده، می‌توان به این گزاره اثباتی پی برد که «عوامل روانی، رفتاری و اجتماعی تأثیر زیادی بر وضعیّت اقتصادی جامعه دارند».

۷-۲-۲) پیروی از شرایع و اجرای احکام آنها در بین جامعه

علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۶۶ سوره مائده که می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ...﴾ (المائده/۶۶)، مراد از اقامه این کتاب‌ها را، حفظ عملی می‌داند؛ یعنی استفاده کردن از دستورهای آنها در جامعه و عمل کردن همه به شرایع آن، و اعتقاد به معارفی که راجع به مبدأ و معاد در آنها بیان شده است و مراد از خوردن در این آیه را مطلق تنعم و تمتع بیان نموده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۳). ایشان در ادامه تفسیر این آیه به مؤثر بودن اعمال بشر در نظام کون و طبیعت اشاره کرده، می‌فرماید: «اگر انسان به صلاح و سداد گراید، نظام دنیا هم از نظر ایفاء به لوازم سعادت زندگی بشری هم از نظر دفع بلا از او و توفیر نعمت برای او صالح خواهد شد» (همان: ۵۳-۵۴). فیض کاشانی نیز در تفسیر این آیه، پیروی از شرایع و اجرای احکام آنها را سبب توسعه رزق و ریزش برکات معرفی کرده است (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۲: ۵۱). قرطبی نیز در تفسیر خود یکی از معانی «لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» را توسعه رزق و متنعم شدن مستمر دانسته است (ر.ک؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۶: ۲۴۱). سید قطب نیز معتقد است علت اینکه جوامع بشری امروزه مضطرب هستند و در مکاتب مختلف در گمراهی به سر می‌برند، این است که به این اصل موجود در این آیه توجه نداشته‌اند، در حالی که اگر به این اصل تمسک

می‌جستند، وضعیّت تولید و توزیع آنها بهبود می‌یافت (ر.ک؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۹۳۰).

این آیه اصل اساسی را مورد تأکید قرار می‌دهد که پیروی از تعلیمات آسمانی انبیاء، تنها برای سامان دادن به زندگی پس از مرگ نیست و اشاره به این گزاره اثباتی است که پیروی از شرایع و اجرای احکام آنها را سبب توسعه رزق و ریزش برکات می‌گردد.

۷-۲-۳) شکر نعمت

در تفسیر المیزان درباره آیه ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ (ابراهیم/۷) آمده است:

«آیه شریفه، مطلق است و دلیلی نیست که ما آن را به وعده و وعیدهای دنیوی اختصاص دهیم و یا آن را مختص آخرت بنماییم، وانگهی از آیات کریمه قرآن کاملاً استفاده می‌شود که ایمان و کفر، و تقوی و فسق، هم در شئون زندگی دنیا تأثیر دارند و هم در زندگی آخرت» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۳۰-۲۹).

علامه طباطبائی با استناد به آیات ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ * شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ * وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (النحل/۱۲۰-۱۲۲) می‌فرماید:

«علّت اینکه بعد از توصیف حضرت ابراهیم به شکر نعمت، بدون فاصله کلمه اجتناب را آورد، اشعار به این است که شکر نعمت، علّت اجتناب بوده است. مقصود از حسنه در دنیا، معیشت نیکو است و ابراهیم^(ع) صاحب ثروتی فراوان و مروّت عظیم بوده است» (همان: ۵۳۰).

۷-۲-۴) تبعیت از فرمان الهی و خشیت از او

در آیه ۱۵۰ سوره بقره که درباره تغییر قبله است، به مسلمانان سفارش شده که از دشمنان در مقابل این فرمان الهی ترسی نداشته باشند و در این صورت است که مشمول نعمات الهی خواهند شد: ﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمِنَّا نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ...﴾ (البقره/۱۵۰). ابن عباس می‌گوید:

«مراد این است تا نعمت خود را در دنیا و آخرت بر شما تمام کنم، اما در دنیا شما را بر دشمنانتان نصرت می‌دهم و شما را وارث اموال و خانه‌های آنها می‌گردانم و در آخرت، بهشت و رحمت من مخصوص شما خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۱۶).

در این آیه نیز تبعیت از فرمان الهی (تغییر قبله) و خشیت از او بر خورداری از نعمات مادی و معنوی را به ارمغان می‌آورد.

۷-۲-۵) ایمان و تقوا

در آیه ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...﴾ (الأعراف/۹۶)، «برکات» به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان با فقد آنها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. این آیه دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها، مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌هاست، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۵۴). در اینکه منظور از «برکات» زمین و آسمان چیست، در میان مفسران گفتگو است. بعضی آن را به نزول باران و رویدن گیاهان تفسیر کرده‌اند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۲۱ و سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۰۴) و بعضی به اجابت دعا و حل مشکلات زندگی (شیخ طوسی، بی تا، ج ۴: ۴۷۷)، ولی این احتمال نیز وجود دارد که منظور از برکات آسمانی،

برکات معنوی و منظور از برکات زمینی، برکات مادی بوده باشد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۶: ۲۶۶-۲۶۷).

علامه طباطبائی درباره آیات ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ...﴾ (الطلاق/۳-۲)، بر این باور است که آیه شریفه دلالت بر نفی علیّت و سببیت میان اشیاء نیست، بلکه می‌خواهد آن را اثبات کند و بگوید: زمام این علل همه به دست خداست و میان موجودات، علیّت حقیقی و واقعی هست، اما نه به آن گونه که از ظواهر موجودات و به حسب عادت درمی‌یابیم، بلکه به نحوی دیگر است که تنها خدا بدان آگاه است (دلیل روشن این معنا آن است که می‌بینیم فرضیات علمی موجود، قاصر از آنند که تمام حوادث وجود را تعلیل کنند) (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۱). در تفسیر قمی، بر اساس روایتی، منظور از رزق در آیه، رزق مادی و دنیایی است (ر.ک؛ قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۳۷۵)، اما علامه طباطبائی رزق مادی و معنوی را مطرح نموده است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۵۲۸).

۷-۶۲- استغفار

با توجه به آیه ﴿وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ﴾ (هود/۵۲)، در تفسیر مجمع البیان در باب تأثیر استغفار در زیاد شدن قوت احتمالات زیر آمده است: ۱- مال، فرزند و نیرو، چون همه اینها چیزهایی است که انسان بدانها نیرو می‌گیرد. ۲- با کثرت افراد و اموال عزتی بر عزت شما بیفزاید. ۳- یعنی نیرویی ایمانی بر نیروی بدنی شما بیفزاید (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۲: ۷۶). اما در تفسیر نمونه آمده است که تعبیر آیه مطلق است و هر گونه افزایش نیروی مادی و معنوی را شامل می‌شود و تمام این تفاسیر را در بر می‌گیرد (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۳۳). اثر استغفار از گناهان در رفع مصائب و بلاها و فتح باب نعمت‌ها در آیات زیر آمده است: ﴿فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا﴾ (نوح/۱۰-۱۲). «جَنَات» و «انهار» هر دو از اقسام مال هستند، لیکن از آنجایی

که از سایر اقسام مال نسبت به ضروریات زندگی بشر دخالت گسترده‌تری دارند، در این آیات اختصاص به ذکر یافته‌اند (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۴۵-۴۶). علامه طباطبائی در تفسیر آیه ﴿وَأَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى...﴾ (هود/۳) ضمن انتقاد از نظرات مفسران دیگر می‌فرماید: «مراد از توبه در اینجا، ایمان است. منظور از جمله "یمتعکم"، بهره‌مند کردن در حیات دنیا با نعمت‌های فراوان» (طوسی، ج ۵: ۴۴۸) و بهره‌مند کردن با زندگی دنیاست، چون خدای - عز و جل - زندگی دنیا را در چند جا از کلام مجید خود، «متاع» نامیده است. پس «متاع حسن» تا «أجل مسمی» چیزی جز زندگی خوب دنیوی نمی‌تواند باشد (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۱۰: ۲۰۹-۲۱۰). پس نتیجه توحید، استغفار و ایمان، زندگی خوب و حیات طیبه دنیوی، در پرتو علم و عمل صالح و بهره‌مندی همگان از نعمت‌های زمینی می‌باشد.

۷-۲-۷) استقامت در راه حق

علامه طباطبائی ذیل آیه ﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (الجن/۱۶) می‌فرماید: «مراد از "استقامت بر طریقه" به معنای ملازمت و ثبات بر اعمال و اخلاقی است که ایمان به خدا و به آیات او اقتضای آن را دارد و بعید نیست از سیاق استفاده شود که جمله "لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا" مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۷۱ و ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۵: ۲۳۶ و مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۵: ۱۲۲). آیات ﴿إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ... * وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَىٰ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ﴾ (فصلت/۳۱)، حُسن حال مؤمنین استقامت‌پیشه و آینده‌نیکویی را که در انتظار ایشان است، بیان می‌کند. بر اساس تفسیر مجمع‌البیان، تفاسیر زیر برای استقامت مطرح شده است:

- ۱- به نقل از مجاهد: استقامت در عقیده به خدای یکتا و بی‌شریک. ۲- به نقل از ابن عباس، حسن، قتاده و ابن زید: استقامت در فرایض الهی و عبادت پروردگار. ۳- استقامت در اعمال توأم با استقامت در گفتار. ۴- به نقل از ابن مسلم استقامت در عبادت

به مقتضای اعتراف به ربوبیت الهی. ۵- بر اساس روایت آنس از پیامبر (ص): اعتراف و اعتقاد به خداوند تا دم مرگ. ۶- بر اساس روایت محمد فضیل از حضرت ابوالحسن الرضا (ع): استقامت، به خدا سوگند، همین ولایتی است که شما شیعیان دارید (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲۲: ۵۲). تفاوت میان «مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ» و «وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ» این است که تعبیر به «تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ» معمولاً در لذات مادی به کار می رود، در حالی که «مَا تَدْعُونَ» آنچه بخوانید^{۱۱} به معنی تقاضاهای معنوی و مواهب و لذات روحانی است. لذا در آنجا همه چیز جمع است و هر نعمت معنوی و مادی بخوانند، فراهم است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۲۷۵-۲۷۶).

۷-۲-۸) دعا کردن

طبرسی در مجمع البیان، ذیل آیه ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ...﴾ (ابراهیم/۳۴) می فرماید:

«انسان هر چه از خداوند مسئلت کند، به او عطا می فرماید: سلامت، نجات، ثروت، فرزند، عزت، آسان شدن کارها و گشایش سینه ها. خلاصه اینکه از برکت دعا، انسان می تواند این نعمت ها را از خداوند بگیرد. برخی گویند: یعنی از هر چه مورد نیاز شماست، به شما داده است. بنابراین، هر چه در زندگی انسان مورد نیاز باشد، از جانب خداوند عطا شده است؛ نظیر ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ هر چه در زمین است، برای شما آفرید^{۱۲} (البقره/۲۹) و هیچ کس را تخصیص نداده است» (طبرسی، ج ۱۳: ۱۳۸).

۷-۲-۹) مهاجرت در راه خدا

در آیه ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ (الحج/۵۸)، بعد از آنکه اخراج مهاجرین از دیارشان را بیان کرد، دنبال آن پاداش مهاجرت و محنت ایشان را در راه خدا ذکر می کند و آن عبارت است از وعده حسن و رزق حسن. جمله ﴿وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾ مضمون

آن را که رزق حسن (نعمت آخروی) است، تعلیل می‌نماید، چون بعد از مردن و کشته شدن، جز آخرت جایی نیست که آدمی در آن رزق حسن بخورد و اصولاً در آیات قرآنی، اطلاق رزق بر نعمت‌های بهشت شده است (ر.ک؛ طباطبائی، ج ۱۴: ۵۶۵). در مجمع‌البیان نیز آمده که مقصود از روزی نیکو، چیزی است که هنگامی که انسان آن را ببیند، به چیز دیگری توجه نکند. تنها خدا بر چنین چیزی قادر است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷: ۱۱).

نتیجه‌گیری

این نوشتار با هدف بررسی گزاره‌های اثباتی در قرآن کریم و با بهره‌گیری از شیوه و منابع تفسیری معتبر به مطالعه آیات اقتصادی قرآن پرداخت. پس از تعریف واژه اثباتی، هنجاری و تبیین اصول موضوعه با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی و در چارچوب ادبیات تفسیری شیعه و اهل سنت گزاره‌های اثباتی اقتصادی در قرآن استخراج شد. بر این اساس، سعی شد در این مقاله رهنمودهای اقتصادی قرآنی که رابطه علی و معلولی بین پدیده‌ها را مطرح می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. لذا بر محور این موضوع به مطالعه گزاره‌های اثباتی قرآن پرداخته شد و نتایج زیر به دست آمد:

۱- قرآن کریم علاوه بر آنکه مشحون از گزاره‌های دستوری و هنجاری در حوزه اقتصاد است، موارد بسیاری از گزاره‌های اثباتی و تحقیقی را نیز در بر می‌گیرد که با تفسیر و تبیین نمونه‌هایی از این گزاره‌ها درباره پیشرفت مادی و معنوی فرضیه پژوهش، مبنی بر اینکه «قرآن کریم علاوه بر گزاره‌های هنجاری و ارزشی، گزاره‌های اثباتی نیز دارد»، تأیید شد.

۲- با توجه به مبانی معرفت‌شناسی اسلامی، در عالم هستی، علل مجرد در کنار علل مادی در پدیده‌ها مؤثر هستند و با نگرش صرفاً مادی نمی‌توان پدیده‌ها و خصوصاً پدیده‌های اقتصادی را توجیه کرد. بر همین اساس، در استخراج گزاره‌های اقتصادی اثباتی، هم عوامل مادی و هم عوامل غیرمادی پیشرفت مورد توجه قرار گرفت.

۳- بر اساس جهان‌بینی اسلامی، پیشرفت فقط در امور مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه چه‌بسا اهمیت نعمت‌های معنوی از نعمت‌های مادی بیشتر باشد. لذا در این مقاله، هر دو جنبه مد نظر قرار گرفت.

۴- بر اساس آیات اقتصادی قرآن، علل مادی نظیر سرمایه مادی، انفاق و پرهیز از فساد اقتصادی و عوامل غیرمادی نظیر استعداد درونی نیروی انسانی جامعه، اجرای احکام شریعت در بین جامعه، شکر نعمت، ایمان و تقوا، استغفار، استقامت در راه حق، مهاجرت در راه خدا و دعا به عنوان عوامل پیشرفت مادی و معنوی از منظر قرآن مطرح می‌گردد.

منابع و مأخذ

- انس الزرقا، محمد. (۱۳۸۳). «اسلامی کردن علم اقتصاد: مفهوم و روش». *مجله اقتصاد اسلامی*. ترجمه سید منصور زرانژاد. ش ۱۴. صص ۱۴۵-۱۶۴.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج ۱. تهران: بنیاد بعثت.
- بختیاری، صادق. (۱۳۷۹). «اقتصاد اثباتی، اقتصاد هنجاری و اقتصاد اسلامی». *مجله نامه مفید*. ش ۲۳. صص ۹۹-۱۰۸.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۸۸). *تاریخ عقاید اقتصادی*. ج ۱۰. تهران: نشر نی.
- تملن جهرمی، محمدحسین. (۱۳۸۹). *گفتارهایی در زمینه اقتصاد، علوم اجتماعی و شناخت روش علم*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- چپرا، محمد عمر. (۱۳۸۴). *آینده علم اقتصاد (چشم‌اندازی اسلامی)*. ترجمه احمد شعبانی. تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حسینی کوهساری، سید مفید. (۱۳۸۵). «پیوستگی گزاره‌های دستوری و اثباتی قرآن در حوزه اقتصاد». *مجله پژوهش‌های قرآنی*. ش ۴۵. صص ۵۴-۸۹.
- خادم‌علیزاده، امیر. (۱۳۹۲). *تفسیر موضوعی قرآن کریم با رویکرد اقتصادی*. قم: دفتر نشر معارف.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). *البیان*. تهران: انتشارات کعبه.

- خورشید، احمد. (۱۳۷۴). *مطالعاتی در اقتصاد اسلامی*. ترجمه محمدجواد مهدوی. چ ۱. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- رستم‌نژاد، مهدی و سید مفید حسینی کوهساری. (۱۳۸۸). «روش‌شناسی مطالعات اقتصاد اسلامی با تأکید بر مطالعات قرآنی». *دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم*. ش ۴. صص ۶۴-۳۳.
- ژید و ریست. (۱۳۷۰). *تاریخ عقاید اقتصادی*. ترجمه کریم سنجابی. تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۰۴ق.). *الدر المنثور فی تفسیر المأثور*. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. چ ۱۷. بیروت - قاهره: دارالشروق.
- شوقی، احمد دنیا. (۱۳۸۹). *برداشت‌های اقتصادی از قرآن کریم*. ترجمه محمد صفری. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- صدر، محمدباقر. (۱۳۵۷). *اقتصاد ما*. ترجمه عبدالعلی اسپهبدی. چ ۲. تهران: انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. چ ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ . (بی تا). *قرآن در اسلام*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چ ۱. تهران: انتشارات فراهانی.
- طوسی، محمدبن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فریتز، مک لاپ. (۱۳۸۱). «اقتصاد اثباتی و دستوری». *فصلنامه نامه مفید*. ترجمه یدالله دادگر و محمدنقی نظریور. ش ۳۱. صص ۱۵۳-۱۵۴.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر الصافی*. چ ۲. تهران: انتشارات الصدر.
- قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. چ ۱. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. چ ۴. قم: دار الکتب.

- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۹). *فلسفه اخلاق*. ج ۱. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. ج ۱. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
- میرمعزی، سید حسین. (۱۳۹۲). «درآمدی بر علم اقتصاد اسلامی (اقتصاد برکت)». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*. س ۱۳. ش ۵۰. صص ۳۰-۵.
- نصیری، علی. (۱۳۸۶). «رویکرد علمی به قرآن، ضرورت‌ها و چالش‌ها». *دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم*. ش ۱. صص ۱۷-۳۴.
- نظری، حسن آقا. (۱۳۹۱). *نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی*. ج ۴. قم - تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت.
- نمازی، حسین و یدالله دادگر. (۱۳۸۹). *اقتصاد متعارف، اقتصاد آرئدکس و اقتصاد اخلاق‌مدار*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Wade Hands, D. (2012). "The Positive-Normative Dichotomy and Economics". *Handbook of The Philosophy of Science*. Vol. 13. Philosophy of Economics. Edited by Uskali Mäki. : Elsevier. Pp. 219-239.
- Keynes, John Neville. (1904). *The scope and method of political economy*. New York: Kelley & Millmon.
- Mannan, M.A. (1983). "Islamic Economics as a Social Science: Some Methodological Issues". *J. Res. Islamic Econ*. Vol. 1. No. 1. Pp. 41-50.